

مهاجرت علمی: تأملی بر دلایل تغییر رشته در مقطع کارشناسی ارشد از سایر رشته‌ها به مدیریت آموزشی

حسن‌رضا زین‌آبادی^۱، *محمد فرزانه^۲، فاطمه دارابی^۳

تاریخ دریافت: 1396/10/27

تاریخ پذیرش: 1397/05/23

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی دلایل تغییر رشته در مقطع کارشناسی ارشد از سایر رشته‌ها به مدیریت آموزشی و بررسی وضعیت این دانشجویان در دوران تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد می‌باشد. به بیان دیگر، دلایل تغییر رشته دانشجویان از سایر رشته‌ها به مدیریت آموزشی چه بوده و در حال حاضر چه نوع ارزیابی‌ها و سوگیری‌هایی نسبت به رشته مدیریت آموزشی دارند؟ این پژوهش با استفاده از روش توصیفی پیمایشی صورت گرفته و ابزار آن مصاحبه بوده است. بدین ترتیب با 71 نفر از افرادی که رشته‌ی اولیه‌شان غیرمدیریت آموزشی بوده و برای مقطع کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی را انتخاب کرده‌اند مصاحبه به عمل آمده است. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها نیز با به‌کارگیری روش تحلیل تماتیک، تجزیه و تحلیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مهم‌ترین دلایل گرایش به مدیریت آموزشی در این پژوهش عبارت‌اند از: علاقمندی، زمینه و ضرورت شغلی. همچنین، انتظارات دانشجویانی که از سایر رشته‌ها به رشته‌ی مدیریت آموزشی گرایش پیدا کرده‌اند، در دو مقوله‌ی بازار کار و آموزش قرار داشت. دیگر یافته‌ها حاکی از این بود که، نگرش دانشجویانی که به مدیریت آموزشی تغییر رشته داده‌اند نسبت به این رشته مثبت است و اکثریت عقیده داشتند که این رشته برای آن‌ها دستاوردهایی (مادی و معنوی) به همراه داشته. با این حال، ضعف‌ها و مشکلات این رشته در سه مقوله و به ترتیب در سه زمینه شامل: بازار کار، مشکلات آموزشی و پژوهشی و موقعیت اجتماعی مشخص شد.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت علمی، تغییر رشته، کارشناسی ارشد، مدیریت آموزشی

¹. دانشیار گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (hzeinabadi@yahoo.com)

². دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول: fmohamad37@yahoo.com)

³. کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران. (sara.darabi.1987@gmail.com)

مقدمه

یکی از انتخاب‌های مهم زندگی هر فرد پس از پایان تحصیلات متوسطه، انتخاب رشته‌ی تحصیلی دانشگاهی است. این انتخاب به دلیل تأثیر زیادی که در تعیین سرنوشت افراد دارد، تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار می‌گیرد (جوادی، حسن‌زاده و صالح‌زاده، 1385). در همین رابطه، یکی از پدیده‌های شایع و طبیعی در نظام آموزشی هر کشوری، تغییر رشته است (پورتر و یومبج¹، 2006؛ مصطفوی، رمضانلو و عسگری، 1391). اساساً تغییر رشته به علت اثرات و نتایج اجتماعی، فردی و آموزشی که در پی دارد پدیده‌ای قابل اعتنا و مهم است. در واقع، تعیین شاخه یا رشته تحصیلی می‌بایست بر اساس استعداد، توانایی و علاقه و همچنین متناسب با نیاز و شرایط جامعه صورت پذیرد؛ در غیر این صورت مسائل فراوانی هم در باب مشکلات فردی (مشکلات روحی، هزینه فرصت از دست رفته، افت تحصیلی، ترک تحصیل و ...) و هم معضلات اجتماعی (بیکاری فارغ‌التحصیلان، عدم توازن بین نیاز جامعه و تخصص فارغ‌التحصیلان، نارضایتی شغلی، بهره‌وری و کارایی پایین شاغلان و ...) و آموزشی (هدر رفت امکانات آموزشی، بی‌ثباتی و اختلال در روند تعیین شده برنامه‌های آموزشی، عدم توازن بین امکانات نظام آموزشی و تعداد دانشجویان، تأثیر بر تراکم دانشجویان در رشته‌های مختلف و به عبارتی تغییر توازن و پراکندگی نیروهای متخصص در رشته‌ها و بخش‌های مختلف، تأثیر بر نگرش و دیدگاه افراد نسبت به رشته‌های مبدأ و مقصد، در بر داشتن هزینه‌های اضافی و پیش‌بینی نشده برای دانشگاه و ...) پیش خواهد آمد (کراولی²، 2004؛ محمودی، 1381؛ معروفی و آداک، 1396). بدیهی است که هر برنامه‌ی آموزشی، هم عناصر کمیته دارد و هم اجزای کیفیتی. بعد کمیته برنامه‌ریزی آموزشی به مسایلی می‌پردازد که جنبه مقداری و شمارشی دارند؛ از قبیل تعداد افراد مورد نیاز، در سطوح مختلف دانش و مهارت و تخصص، برای بخش‌های مختلف تولید و خدمات؛ تعداد افراد لازم‌التعلیم در گروه‌های مختلف سنی؛ تعداد دانشجویان در دوره‌های و رشته‌های مختلف تخصصی تحصیلات رسمی؛ تعداد اساتید برای دوره‌ها، رشته‌ها و برنامه‌های مختلف آموزشی، تعداد مدیران و کارکنان آموزشی؛ تعداد دانشگاه‌ها، کلاس‌ها و مراکز و تاسیسات مختلف آموزشی؛ تجهیزات و وسایل آموزشی و ... بعد کیفیتی برنامه‌ریزی آموزشی با محتوای آموزش و چگونگی انجام آن سرو کار دارد و مسایلی از قبیل: فلسفه، آرمان‌ها، مقاصد و هدف‌های آموزشی، مواد درسی، روش‌شناسی آموزش، محیط و فضای معنوی و روانی آموزش و ... را شامل می‌شود. بر این اساس، تغییر رشته دانشجویان، برنامه‌ریزی آموزش عالی را در زمینه‌های مختلفی همچون پیش‌بینی تسهیلات و خدمات آموزشی، انتخاب اساتید و مربیان آموزشی، تعیین محتوا و مواد آموزشی و چگونگی انجام آن، فلسفه و اهداف آموزشی مقاطع و رشته‌های مختلف، تخصیص منابع و ... با چالش مواجه می‌کند. لذا، انتخاب رشته عاملی مهم و کلیدی در نظام‌های آموزشی می‌باشد و با وجود آنکه تغییر رشته پدیده‌ای شایع و طبیعی در تمامی کشورها است، اما به دلیل اثرات مختلف و عموماً منفی آن بر افراد و جامعه به طور عام و نظام آموزشی به طور خاص، کم‌اهمیت دانستن و بی‌توجهی به این پدیده به هیچ وجه جایز نیست. بنابراین، با کندوکاو دقیق علل تغییر رشته، نقاط قوت و ضعف و نیز تهدیدها و فرصت‌های فراوانی

¹. Porter & Umbach,

². Crowley

مشخص خواهند شد که با تمرکز بر آن‌ها می‌توان برنامه‌ریزی آموزشی دقیق‌تر و اثربخش‌تری را انجام داد و از صرف هزینه و زمان اضافی و بیهوده جلوگیری کرد و با بازنگری اساسی در اهداف و ماهیت رشته‌ها و هدایت تحصیلی صحیح و مناسب، در نهایت کارایی و اثربخشی نظام آموزش عالی را ممکن ساخت.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعداد زیادی از دانش‌آموزان پس از ورود به دانشگاه از رشته‌ی تحصیلی خود ابراز ناراضی می‌کنند و به سختی تحصیلات خود را به پایان می‌رسانند (مردی‌ها، 1383). یکی از دلایل این مسأله انتخاب ناآگاهانه‌ی رشته‌ی تحصیلی، عدم شناخت رشته و ویژگی‌های مورد نیاز برای ادامه‌ی تحصیل و کار در آن (ده‌بزرگی و موصلی، 1381) و عدم توجه به علاقه و در نظر گرفتن یک معیار ورود به دانشگاه در هر حال است (ضرغامی، غفاری ساروی، خلیلیان و سفیدچیان، 1382). هر ساله داوطلبان تحت تأثیر عوامل مختلف و منابع اطلاعاتی موثق و غیرموثق اقدام به انتخاب رشته می‌کنند. آهولا¹ (2000) می‌گوید دانشجویان عموماً اطلاعات محدودی از دانشگاه و رشته‌ای که می‌خواهند وارد آن شوند، کسب می‌کنند و تصمیم‌های آنان تحت تأثیر عوامل درون و برون فردی زیادی قرار دارد که منجر به انحراف و اشتباه در انتخاب رشته می‌شود. آرچر، کنتول و بروک² (1999) معتقدند که دانشجویان پس از ورود به دانشگاه در مقابل حجم زیادی از اطلاعات، روندها، آداب و رسوم قرار می‌گیرند که برداشت ایشان از دانشگاه و تحصیل را دچار تغییر می‌کند که گاهی دانشجویان را در شرایط بسیار بدی قرار می‌دهد. این موضوع در دانشجویان کشورمان نیز مصداق دارد و به علت محدودیت پذیرش، در بسیاری موارد حادث نیز هست.

رشته‌ی مدیریت آموزشی نیز به نوبه‌ی خود هر ساله مقصد تعداد زیادی از دانشجویان تغییر رشته‌ای است که تحصیلات اولیه‌شان در سایر رشته‌ها بوده است و در نتیجه‌ی عدم رضایت از رشته‌ی کارشناسی‌شان به مدیریت آموزشی گرایش یافته‌اند. در این رابطه ماده‌ی پنج آئین‌نامه‌ی کارشناسی ارشد ناپیوسته مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی بیان می‌دارد که چنانچه رشته دوره کارشناسی با رشته دوره کارشناسی ارشد تجانس نداشته باشد، دانشجو باید به تشخیص گروه آموزشی، تعدادی از دروس را تحت عنوان جبرانی بگذراند. هدایت صحیح این افراد از ابتدای ورود به دانشگاه (در دوره‌ی کارشناسی) و انتخاب مدیریت آموزشی از همان ابتدا، می‌توانست از هدر رفتن استعداد و نیروی جوانی، منابع مادی، مالی و نیز منابع ملی جلوگیری کند. نظام‌های مختلف آموزش عالی در دنیا همواره سعی کرده‌اند با شناسایی عواملی که بر گرایش آن‌ها در انتخاب رشته‌شان تأثیر می‌گذارد، داوطلبان را به طریقی در رشته‌های مختلف تحصیلی هدایت کنند که کم‌ترین ضایعه و افت را در رابطه با مسأله‌ی تحصیل و آینده‌ی شغلی‌شان داشته باشند. اما به نظر می‌رسد انتخاب رشته و مسائل مرتبط با آن، همچون، هدایت تحصیلی، تغییر رشته و مهاجرت علمی آنچنان که باید و شاید در ایران مورد توجه قرار نگرفته و اندک پژوهش‌های موجود هر کدام به جنبه‌های متفاوت و مختلفی پرداخته‌اند؛ از جمله بادامچی و قائم‌خانی (1394) و ذکایی و شجاعی باغینی (1392) جریان مهاجرت نخبگان از رشته‌های مهندسی به علوم انسانی را مورد نظر قرار داده‌اند. همچنین، جواهری (1387) در پژوهشی تقریباً مشابه دلایل گرایش و

¹. Ahola

². Archer, Cantwell & Bourke

تغییر رشته به جامعه‌شناسی را بررسی نموده است و عبدی و آقابابا (1387) نیز عوامل مؤثر بر انتخاب رشته داوطلبان مجاز به انتخاب رشته کنکور سراسری را مورد بررسی قرار دادند.

همان‌طور که مورد ملاحظه قرار گرفت مسئله‌ی مهاجرت علمی چندان که باید و شاید مورد بررسی و واکاوی قرار نگرفته است، بخصوص در حوزه‌ی رشته‌ی مدیریت آموزشی که همواره تعداد زیادی از داوطلبان کنکور سراسری را به خود می‌بندد، به علل و انگیزه‌های تغییر رشته از سایر رشته‌ها به مدیریت آموزشی پرداخته نشده است. این مسئله از این جهت حائز اهمیت است که آگاهی از دلایل تغییر رشته با وجود صرف هزینه و زمان و نیز دلایل گرایش دانشجویان به انتخاب یک رشته برای ادامه‌ی تحصیل در کارشناسی ارشد، علاوه بر اینکه در شناخت برداشت آنان از ماهیت آن رشته مؤثر است، از دیدگاه برنامه‌ریزی آموزشی نیز دارای کارکردهای قابل ملاحظه‌ای است. از آنجا که کار برنامه‌ریز آموزشی، تحلیل نظام‌دار و منطقی مسائل و مشکلات آنی و آتی نظام آموزشی و تلاش به منظور حل این مشکلات است؛ شناخت دلایل تغییر رشته منبع دانش فراوانی را در مورد آسیب‌شناسی رشته‌ها و مقاطع تحصیلی فراهم می‌سازد و مسئولین و متصدیان امر را در کسب اطلاعات در مورد عناصر مختلف برنامه‌ریزی آموزشی همچون هدایت تحصیلی مناسب، بازنگری اهداف و فلسفه‌ی رشته‌ها، کم و کیف تخصیص منابع مالی و انسانی، اصلاح فعالیت‌ها، تجهیز منابع و امکانات لازم، تدوین برنامه درسی مبتنی بر شایستگی و ارزشیابی دقیق از کیفیت رشته‌ها یاری می‌کند. کاربست و انجام این اقدامات نهایتاً ضمن صرفه‌جویی در زمان و هزینه‌های آموزش، بهره‌وری و کارایی نظام آموزش عالی را افزایش خواهد داد.

سؤال‌های پژوهش

1. چرا دانشجویان رشته‌ی قبلی خود را تغییر داده و مدیریت آموزشی را انتخاب کرده‌اند؟
2. دانشجویانی که رشته‌ی قبلی آن‌ها مدیریت آموزشی نبوده با چه انتظاراتی رشته‌ی مدیریت آموزشی را انتخاب کرده‌اند؟
3. دانشجویان تغییر رشته‌ای در حال حاضر در قلمرو مدیریت آموزشی دارای چه نوع جهت‌گیری و علائق فکری هستند؟
4. تحصیل در رشته‌ی مدیریت آموزشی برای دانشجویان تغییر رشته‌ای چه دستاوردهایی به همراه داشته است؟
5. تحصیل در رشته‌ی مدیریت آموزشی دانشجویان تغییر رشته‌ای را با چه مشکلاتی مواجه ساخته است؟

مبانی نظری

پدیده‌ی انتخاب رشته‌ی تحصیلی دارای یک عنصر ادراکی- شناختی (ارزیابی از رشته‌ی دیگر و اعتقاد به سودمندی برون‌دادهای آن)، یک مؤلفه‌ی ارزشی- عاطفی (علاقه به رشته‌ی دیگر) و یک جزء رفتاری (تحصیل در رشته‌ی دیگر) می‌باشد. داوطلبان در فرایند انتخاب رشته از سه مرحله‌ی آمادگی، انحصار و ارزش‌یابی گذر می‌کنند. در مرحله‌ی اول عواملی مانند آمال و آرزوها، زمینه‌ی اجتماعی، افراد مرجع و مهم،

تجربه و توانایی تحصیلی، سوابق و پیشینه‌ی خانوادگی ترجیحات فرد را جهت می‌دهد. در مرحله‌ی انحصار، فرد با اشخاص خاصی در مورد رشته‌ها و دانشگاه‌های مختلف مشورت می‌کند و هزینه‌ها و منافع احتمالی را مد نظر قرار می‌دهد. در مرحله‌ی سوم، گزینه‌های مختلف برای تصمیم‌گیری نهایی ارزیابی و رتبه‌بندی می‌شود (عبدی و آقابابا، 1387).

چاپمن¹ معتقد است که انتخاب رشته‌ی تحصیلی و دانشگاه با توجه به مجموعه‌ای از ویژگی‌های درونی داوطلب با عوامل بیرونی مرتبط است. مطابق نظریه‌ی چاپمن، انتخاب رشته‌ی تحصیلی و دانشگاه مورد نظر برای تحصیل بر اساس عوامل درونی شامل علاقه و سطح آرزوهای فردی، نگرش، توانایی و عملکرد تحصیلی و نیز عوامل بیرونی از قبیل وجود داشتن افراد مهم در زندگی فرد مثل خانواده، دوستان و غیره و ویژگی‌های دانشگاه شامل مقدار شهریه، مکان و سطح تحصیلی آن صورت می‌گیرد (دی‌رونک²، 2007).

روش پژوهش

در این پژوهش با توجه به اهداف و ماهیت موضوع پژوهش، از روش پیمایشی با تکیه بر رویکرد اکتشافی استفاده شده است. لذا به جای آزمون مجموعه‌ای از فرضیات از پیش طرح شده، شناسایی و واکاوی ابعاد مختلف موضوع مورد مطالعه، مدنظر بوده است. بدین معنا که نویسنده در پی مشخص ساختن این موضوع است که دانش‌آموختگان سایر رشته‌ها بر اساس چه دلایلی و چگونه به مدیریت آموزشی علاقه‌مند شده‌اند و در حال حاضر چه جهت‌گیری نسبت به این رشته دارند. بر این اساس تحقیق حاضر از لحاظ روش‌شناسی از نوع کیفی و با استفاده از روش‌های تحلیل تماتیک می‌باشد. در تقسیم‌بندی تحقیق بر اساس هدف، از آن‌جا که نتایج این پژوهش می‌تواند در انتخاب رشته‌ی دانشجویان مورد استفاده قرار گیرد می‌توان این مطالعه را در زمره تحقیقات کاربردی قلمداد کرد. اطلاعات این پژوهش با استفاده از مصاحبه‌ی حضوری از نوع نیمه‌ساختار یافته گردآوری شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویانی است که در مقطع کارشناسی دانش‌آموخته‌ی رشته‌های دیگر بوده‌اند اما در مقطع کارشناسی ارشد به تحصیل در رشته‌ی مدیریت آموزشی پرداخته‌اند، اعم از این‌که دانشجو بوده‌اند و یا فارغ‌التحصیل شده‌اند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری در دسترس بوده است. دامنه‌ی تحقیق شامل کلیه‌ی دانشگاه‌های دولتی تهران است که در آن‌جا مقطع کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دایر است. در پژوهش حاضر برای جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی استفاده شده است. همچنین، ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر در بخش کیفی مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که بر روی دانشجویانی که در مقطع کارشناسی ارشد به مدیریت آموزشی تغییر رشته داده‌اند اجرا شد. از آن‌جا که تعداد این دانشجویان محدود و نا مشخص بود، جهت دسترسی به مشارکت‌کنندگان ابتدا به دانشگاه‌های موردنظر (تهران، علامه طباطبایی، الزهرا (س)، شهید بهشتی و خوارزمی) مراجعه نموده و سپس فهرستی از این افراد تهیه شد، اما علی‌رغم تلاش زیاد به علل گوناگونی، امکان مصاحبه با همه‌ی این دانشجویان فراهم نگردید. در نهایت با تلاش فراوان با 71 نفر مصاحبه‌هایی با

¹. Chapman

². DeRonke

مدت زمان متغیر بین 20 دقیقه تا 1 ساعت انجام شد و البته برای ضبط صدای مصاحبه نیز از مصاحبه‌شوندگان کسب اجازه گردید.

در پژوهش‌های کیفی اعتبار و پایایی مانند روش‌های کمی، بر اصول مشخصی استوار نیست؛ و این موضوع به زیربنا و منطق درونی پژوهش کیفی و جنبه‌ی تفسیری و تأویلی آن برمی‌گردد. اگرچه برخی از محققان کیفی احراز اعتبار و پایایی را برای پژوهش کیفی بی‌فایده می‌دانند، اما در مقابل برخی نیز معتقدند به دلیل ریشه داشتن پژوهش کیفی در تفسیر و تأویل، و عدم استفاده از آزمون‌های استاندارد، همواره امکان سوءگیری در ابزار، مشاهدات و نتایج پژوهش کیفی وجود دارد و بر این اساس پژوهشگران جهت پرهیز از سوءگیری در پژوهش کیفی راهبردها و مفاهیمی را ابداع کرده‌اند (عباس‌زاده، 1391). برای تعیین روایی کیفی راهبردهایی وجود دارد و پژوهشگران کیفی معمولاً بیش از یک روش را مورد استفاده قرار می‌دهند. در پژوهش حاضر جهت تأمین روایی و اعتبار از دیدگاه و روش ارزیابی لینکولن و گیوبا¹ بهره گرفته شده است که معادل روایی و پایایی در تحقیقات کمی است. بدین منظور و بر پایه این روش، چهار معیار موثق بودن و اعتبار (باورپذیری)، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری برای ارزیابی روایی داده‌های کیفی استفاده شد. به همین منظور و برای دستیابی به هریک از این معیارهای یاد شده در فوق، اقدامات زیر صورت پذیرفت:

اعتبار: پژوهشگر با صرف زمان کافی، تأیید فرایند پژوهش توسط چهار متخصص، استفاده از دو کدگذار برای کدگذاری چند نمونه مصاحبه جهت کسب اطمینان از یکسانی دیدگاه کدگذاران، استفاده از پرسش‌های عینی و قابل اندازه‌گیری و نگارش یادداشت در طول پژوهش، میزان موثق بودن داده‌های پژوهش را به حد قابل قبولی افزایش داده است. علاوه بر این، کدهای تهیه شده از مصاحبه‌ها در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت و بعد از اعمال اصلاحات موردنظر به تأیید آن‌ها رسید.

انتقال‌پذیری: برای حصول اطمینان از انتقال‌پذیری یافته‌های پژوهشی دو متخصص مدیریت آموزشی که در پژوهش مشارکت نداشتند در مورد یافته‌های پژوهش مورد مشورت قرار گرفتند و همچنین سعی گردید که مراحل اجرای پژوهش، محیط و زمینه اجرا، به‌طور کامل برای خوانندگان شرح داده شود.

اطمینان‌پذیری: برای تأمین معیار قابلیت اطمینان نیز فرایند انجام مطالعه در اختیار استادان باسابقه در زمینه پژوهش‌های کیفی قرار گرفت. آن‌ها پس از بازنگری فرایند مطالعه، نتایج بخش کیفی را مورد تأیید قرار دادند.

تأییدپذیری: کلیه جزئیات در تمامی مراحل به دقت ثبت و ضبط شد. از جمله‌ی مستندات می‌توان به متن کامل مصاحبه‌های به صورت صوتی اشاره کرد.

¹. Lincoln & Guba

جدول 1. توزیع نمونه به تفکیک دانشگاه

ردیف	دانشگاه	تعداد
1	الزهرا (س)	17
2	تهران	15
3	خوارزمی	12
4	شهید بهشتی	16
5	علامه طباطبایی	11
	جمع کل	71

پس از جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات موردنیاز، متن مصاحبه‌ها به دقت پیاده‌سازی شده و برای تجزیه و تحلیل مورد استفاده قرار گرفت. جهت تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها از روش تجزیه و تحلیل تماتیک استفاده شد. در بخش کمی از فنون آمار توصیفی شامل جدول فراوانی برای توصیف داده‌های جمعیت‌شناسی نمونه آماری نظیر جداول توزیع فراوانی، درصد و ... استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

تعداد کل مصاحبه‌شوندگان 71 نفر بوده که در دانشگاه‌های دولتی تهران (الزهراء (س)، تهران، خوارزمی، شهید بهشتی و علامه طباطبایی) تحصیل نموده و یا در حال تحصیل بوده‌اند. از نظر ترکیب جنسیتی براساس اطلاعات ارائه شده در جدول 39/43٪ درصد (معادل 28 نفر) مرد و 60/56 درصد (معادل 43 نفر) زن جمعیت مورد مطالعه را تشکیل دادند. از نظر فراوانی به تفکیک مقطع تحصیلی، 90/14 درصد (معادل 64 نفر) از مصاحبه‌شوندگان دانشجوی یا فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد بوده و 9/85 درصد (معادل 7 نفر) دانشجوی یا فارغ‌التحصیل مقطع دکترا هستند. همچنین، جدول زیر توزیع فراوانی افراد مورد بررسی به تفکیک رشته‌ی تحصیلی قبلی دانشجویان را نشان می‌دهد.

جدول 2. توزیع فراوانی به تفکیک رشته‌ی تحصیلی

ردیف	رشته تحصیلی	تعداد	درصد فراوانی	توضیحات
1	علوم انسانی	34	47/88٪	
2	زبان‌های خارجی	16	22/53٪	شامل زبان انگلیسی، فرانسه و ...
3	علوم پایه	11	15/49٪	
4	فنی و مهندسی	7	9/85٪	
5	علوم پزشکی	2	2/81٪	
6	علوم کشاورزی	1	1/40٪	
	جمع کل	71	100٪	

در ادامه با توجه به اطلاعات توصیفی ارائه شده، به بررسی سوالات پژوهش می‌پردازیم:

1- چرا دانشجویان رشته‌ی قبلی خود را تغییر داده و مدیریت آموزشی را انتخاب کرده‌اند؟
جهت پاسخ‌گویی مطلوب به این سوال و یا به عبارتی برای کشف نمودن علت این انتخاب، ابتدا زمینه‌ی آشنایی مصاحبه‌شوندگان با این رشته مورد بررسی قرار گرفت (جدول 3)، سپس دلایل انتخاب و گرایش به علوم‌انسانی بررسی شد (جدول 4) و در نهایت به دلایل انتخاب مدیریت آموزشی پرداختیم (جدول 5). بدین‌منظور ابتدا از پاسخ‌دهندگان سوال شد که قبل از این‌که این رشته را برای ادامه تحصیل انتخاب کنید، آیا نسبت به این رشته شناخت داشته‌اید؟

جدول 3. طبقه‌بندی منابع شناخت رشته‌ی مدیریت آموزشی

ردیف	سوال	نشانیگر	مقولات عمده
1	قبل از این‌که این رشته را برای ادامه تحصیل انتخاب کنید، آیا نسبت به این رشته شناخت داشته‌اید؟	صحبت با فارغ‌التحصیلان دانشجویان و اساتید این رشته مشاوران تحصیلی	افراد
		مراجعه به سایت‌های اینترنتی	اینترنت
		آشنایی از طریق محیط کار و همکاران	زمینه شغلی
		مطالعه‌ی کتب و مجلات تخصصی، فصلنامه‌ها، مقالات و ...	منابع مطالعاتی

بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول 3 نتایج به دست آمده بیانگر آن است که 4 نفر (معادل 5/63 درصد) در قالب پاسخ‌های مشابه عدم شناخت خود را تأیید و بیان داشتند هیچ‌گونه آشنایی قبلی با این رشته نداشته و بدون شناخت قبلی این رشته را انتخاب کرده‌اند.
در مقطع کارشناسی ارشد با توجه به تجربه‌ی مقطع پیشین، چنانچه افراد مستعد تغییر رشته باشند اغلب با تحقیق و شناخت، مسیر بعدی خود را انتخاب می‌کنند. بدین ترتیب 67 نفر (معادل 94/36 درصد) بیان نمودند که از طرق مختلف با این رشته آشنا شده‌اند. البته میزان شناخت دانشجویان متفاوت است. در تفکیک پاسخ مصاحبه‌شوندگان براساس منبع شناخت، به طور کلی پاسخ‌گویان 4 منبع شناخت شامل: افراد، اینترنت، زمینه شغلی و منابع را ذکر کردند.
این مطلب نیز قابل ذکر است که تعداد اندکی از پاسخ‌دهندگان نیز به ترکیبی از دو یا چند مورد از موارد بالا به عنوان منبع آشنایی خود اشاره داشتند.

همان‌طور که در جدول شماره 2 مشخص شد، 52/12 درصد از مصاحبه‌شوندگان از رشته‌های غیرعلوم انسانی و با زمینه‌های ذهنی و تحصیلی متفاوت به علوم انسانی و در واقع به مدیریت آموزشی ورود کرده‌اند. بنابراین در گام بعدی از مصاحبه‌شوندگانی که رشته‌ی پیشین آن‌ها غیرعلوم انسانی بود، پرسیده شد چرا به علوم انسانی علاقه پیدا کردید؟ دلیل تغییر رویه‌تان چه بود؟

جدول 4. طبقه‌بندی دلایل انتخاب علوم انسانی

ردیف	سوال	نشانگر	مقولات عمده	درصد فراوانی
1	چرا به علوم انسانی علاقه پیدا کردید؟ دلیل تغییر رویه‌تان چه بود؟ (مختص کسانی که کارشناسی‌شان رشته‌های غیر علوم انسانی بوده‌اند)	جایگاه و موقعیت علوم انسانی نسبت به علوم پایه تأثیر علوم انسانی در پیشرفت و توسعه‌ی جامعه گسترده‌ی علوم انسانی و تنوع آن عدم بومی‌سازی علوم انسانی در ایران امکان انجام کار انفرادی در علوم انسانی شرایط کاری بهتر برای خانم‌ها در علوم انسانی کار با انسان‌ها	ماهیت و ویژگی‌های علوم انسانی	37/8
		علاقه به مباحث علوم انسانی علاقه به رشته‌های علوم انسانی	علاقه	35/13
		ضرورت و زمینه‌ی شغلی	زمینه شغلی	18/91
		سهولت علوم انسانی نسبت به علوم پایه آسان بودن علوم انسانی برای ادامه تحصیل سهولت قبولی در مقاطع بالاتر آسان بودن دروس علوم انسانی نسبت به سایر علوم	سهولت	8/10

بر اساس جدول 4، مهم‌ترین دلایل انتخاب علوم انسانی به ترتیب عبارتند از: ماهیت و ویژگی‌های علوم-انسانی با 37/8 درصد (معادل 14 نفر)، علاقه با داشتن 35/13 درصد فراوانی (معادل 13 نفر)، زمینه شغلی با 18/91 درصد (معادل 7 نفر) و سهولت با 8/10 درصد (معادل 3 نفر).
پس از یافتن دلایل انتخاب علوم انسانی، حال اصلی‌ترین پرسش این پژوهش یعنی همان دلیل انتخاب مدیریت آموزشی شکل می‌گیرد. چرا دانشجویان پس از تحصیل در رشته‌ای دیگر برای ادامه تحصیل خود به سراغ مدیریت آموزشی آمده‌اند؟

جدول 5. دلایل انتخاب مدیریت آموزشی

ردیف	سوال	نشانگر	مقولات عمده	درصد فراوانی
1	چرا از بین رشته‌های علوم انسانی مدیریت آموزشی را انتخاب کرده‌اید؟	علاقه به رشته مدیریت آموزشی علاقه به کار در آموزش و پرورش علاقه به ایجاد تحول در آموزش و پرورش علاقه به مباحث مدیریتی علاقه به ایجاد یک مدیریت متفاوت در کشور	علاقه	39/43
		ارتباط شغلی نیاز شغلی ارتقاء شغلی بالا بردن کیفیت کار	زمینه شغلی	33/80

9/85	ماهیت و ویژگی- های مدیریت آموزشی	گسترده‌گی و تنوع میان رشته‌ای بودن جذابیت توان مدیریت آموزشی برای خلاقیت و نوآوری سروکار داشتن با انسان‌ها
5/63	رشته‌ی کارشناسی	عدم علاقه به رشته‌ی کارشناسی شرایط کار در رشته‌ی قبلی کفایت تحصیل تا مقطع کارشناسی در رشته‌ی قبلی عدم بازارکار مناسب در رشته‌ی قبلی
4/22	سهولت	سهولت قبولی در آزمون ورودی کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی سهولت تحصیل در این رشته سهولت پذیرش در مقطع دکترا
2/81	توصیه دیگران	توصیه‌ی خانواده دوستان، اساتید و...
2/81	بازارکار	بازارکار خوب این رشته

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول 5 شمار زیادی از دانشجویان به عبارتی 39/43٪ درصد افراد (معادل 28 نفر) دلیل گرایش خود به مدیریت آموزشی را علاقه دانسته‌اند. اما زمینه‌ی شغلی با تفاوتی اندک و با داشتن 33/80٪ درصد فراوانی، در رتبه‌ی دوم، ماهیت و ویژگی‌های مدیریت آموزشی با 9/85٪ درصد فراوانی، رشته‌ی کارشناسی با 5/63٪ درصد فراوانی، سهولت این رشته با 4/22٪ درصد فراوانی، توصیه‌ی دیگران با 2/81٪ درصد فراوانی و در پایان بازارکار با 2/81٪ درصد فراوانی به ترتیب در رتبه-های سوم، چهارم، پنجم و ششم و هفتم این طبقه‌بندی جای گرفته‌اند. پس از پی بردن به نحوه‌ی آشنایی و علل گرایش به این رشته بر آن شدیم دریابیم چه انتظاراتی دانشجویان را ترغیب به انتخاب این رشته کرده است.

2- دانشجویانی که رشته‌ی قبلی آن‌ها مدیریت آموزشی نبوده با چه انتظاراتی رشته‌ی مدیریت آموزشی را انتخاب کرده‌اند؟

جدول 6. طبقه‌بندی دلایل عدم انطباق پیش‌تصورات و واقعیات

ردیف	سوال	نشانگر	مقولات عمده
1	پیش‌تصورات شما با واقعیات تا چه اندازه منطبق بود؟	عدم بازارکار مناسب	بازارکار
		عدم اقبال آن در سازمان‌های آموزشی	آموزش
		تئوری بودن مطالب درسی غیرکاربردی بودن مطالب مدیریتی بودن درصد زیادی از مطالب و بالعکس عدم توانمندی و به روز نبودن اساتید	

احتمال دستیابی به نتایج سودمند از یک اقدام که از آن تحت عنوان انتظار فایده یاد می‌شود در گرایش نسبت به آن پدیده دخالت دارد. در این پژوهش برای سنجش انتظار فایده سوال شد که پیش‌تصورات شما با واقعیات تا چه اندازه منطبق بود؟

تعداد 7 نفر از پاسخگویان اذعان داشتند هیچ گونه تصویری از این رشته نداشته‌اند. برای نمونه «در دوره‌ی ارشد سعی کردم دیگه تصویری برام ایجاد نشه چون به بار تجربه داشتم و می‌دونستم نباید رویاپردازی کنم» 42/25 درصد (معادل 30 نفر) از شرکت‌کنندگان پیش‌تصورات خود را با واقعیات موجود تا حدی منطبق دانسته، 16/90 درصد (معادل 12 نفر) نیز بر انطباق کامل تصورات و واقعیات اذعان داشتند و در نهایت 30/98 درصد (معادل 22 نفر) پیش‌تصورات و واقعیات موجود را غیرمنطبق ارزیابی کردند. پاسخ‌های این افراد را می‌توان در دو مقوله‌ی بازارکار و آموزش جای داد.

1. بازارکار: شماری از آن‌ها تصور می‌کرده‌اند که بازارکار خوبی در انتظارشان است و پس از تحصیل در این رشته، آینده‌ی شغلی خوبی خواهند داشت اما پس از ورود به آن واقعیت موجود برخلاف ذهنیت آن‌ها بوده و عده‌ای نیز با تصور کار در آموزش و پرورش به مدیریت آموزشی تغییر مسیر داده‌اند و حال آن‌که این سازمان چندان پذیرای این افراد نیست.

2. آموزش: پیش‌تصورات تعدادی از شرکت‌کنندگان نیز بر این اساس استوار بوده است که بعد مدیریتی رشته‌ی مذکور بر بعد آموزشی آن احاطه دارد و البته تعدادی نیز به عکس این مسأله اشاره کردند و مدعی شدند تصور می‌کرده‌اند بعد آموزشی وزنه‌ی سنگین‌تری در مقایسه با بعد مدیریتی داراست و حال آن‌که واقعیت موجود عکس آن است. برخی نیز می‌پنداشتند که مدیریت آموزشی رشته‌ای کاربردی است، اما با فضایی تئوریک مواجه شده‌اند که در آن خبری از کاربرد مطالب نیست و نیز برخی اظهار داشتند که پیش‌تصوراتشان بر پایه‌ی تسلط علمی و به روز بودن اساتید استوار بوده است و حال آن‌که با عدم توانمندی و تسلط علمی و نیز به روز نبودن علم اساتید مواجه شده‌اند.

3- دانشجویان تغییر رشته‌ای در حال حاضر در قلمرو مدیریت آموزشی دارای چه نوع جهت‌گیری و علائق فکری هستند؟

برای پاسخ به این سوال، از دانشجویان مشارکت‌کننده در پژوهش حاضر سه سؤال به شرح زیر پرسیده شد:

- میزان رضایتمندی، پس از ورود به این رشته از داوطلبان سوال شد که اگر دوباره بخواهید برای ادامه تحصیل انتخاب رشته کنید باز هم این رشته را انتخاب می‌کنید؟ چرا؟

در پاسخ به این سوال، 71/83 درصد مصاحبه‌شوندگان پاسخ مثبت و 28/16 درصد پاسخ منفی دادند. افرادی که پاسخشان مثبت بود، در پاسخ به چرایی این سوال به همان دلایل پیش‌گفته (نظیر علاقه، سهولت ادامه تحصیل و ...) اشاره کردند. اما تعدادی که پاسخشان منفی بود به دلایلی نظیر آنچه در بالا ذکر شد (دلایل عدم انطباق تصورات و واقعیات و نیز علاقه‌مندی به یک رشته‌ی دیگر) اشاره کردند، در واقع این دانشجویان همان کسانی هستند که در خصوص این رشته دچار عدم شناخت یا شناخت نادرست بوده‌اند که خود نیز بدان معترفند که بدون داشتن اطلاعات لازم و کافی دست به انتخاب زده‌اند. برای بررسی عمیق‌تر موضع و جهت‌گیری پاسخ‌گویان، در خصوص موفقیت در این رشته از آنان پرسش به عمل آمد.

- خودتان را در این رشته موفق می‌بینید یا در رشته‌ی قبلی؟ چرا؟

حدود 60/56 درصد (معادل 43 نفر) به دلایل متعدد که پیش از این گفته شد (نظیر: علاقه‌مندی، امکان پیشرفت در این رشته، داشتن انگیزه، سهولت، بازارکار) خودشان را در این رشته موفق ارزیابی کرده «خودم رو در این رشته موفق می‌بینم چون در این رشته انگیزه‌ی و قصد پیشرفت دارم» و همچنین 18/30 درصد (معادل 13 نفر) خودشان را به دلایلی (نظیر عدم علاقه، علاقه به رشته‌ای دیگر، بازارکار نامناسب و عدم تطابق پیش‌تصورات با واقعیات) در رشته‌ی قبلی موفق دانستند «فک می‌کنم در رشته‌ی قبلی موفق‌تر بودم چون بازارکار بهتری داشت» و البته 21/12 درصد (معادل 15 نفر) نیز خود را در هر دو رشته ناموفق ارزیابی داشتند. «به نظر خودم در هیچ‌کدام موفق نبودم چون هر دو رشته اونچه که فکر می‌کردم نبود».

- برای این که یک پایان نامه بدهید دوست دارید در کدام حوزه فعالیت کنید؟

جدول 7. طبقه‌بندی موضوعات مورد علاقه

سوال	نشانگر	مقولات عمده
1 برای این که یک پایان نامه انجام بدهید دوست دارید در کدام حوزه فعالیت کنید؟	تعهدسازمانی تغییر سازمانی آموزش غیررسمی در سازمان اخلاق حرفه‌ای توانمندسازی جانشین‌پروری در سازمان شرکت‌های دانش‌بنیان رفتار شهروندی آموزش در صنعت مدیریت استعداد منابع انسانی رفتار سازمانی نیازسنجی	سازمان
	مطالعات تطبیقی مدیر معلم مدارس هوشمند معضلات مدارس فرهنگ مدارس روش تدریس ارزشیابی عملکرد معلم و مدیر کاربرد تکنولوژی آموزشی	مدارس
	پژوهش در آموزش عالی کیفیت آموزش عالی توسعه‌ی حرفه‌ای اعضای هیأت علمی	آموزش عالی

طبق جدول فوق، حوزه‌های مورد علاقه دانشجویان مدیریت آموزشی به سه بخش 1- سازمان و 2- مدرسه و 3- آموزش عالی تقسیم می‌شود. به عبارتی، در سال‌های اخیر دیگر مدیریت آموزشی نه تنها در مدارس و دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها به کار برده می‌شود، بلکه به سازمان‌ها نیز نفوذ کرده و در حوزه‌های گونه-گون کاربرد یافته است.

4- تحصیل در رشته‌ی مدیریت آموزشی برای دانشجویان تغییر رشته‌ای چه دست‌آوردهایی به همراه داشته است؟

برای یافتن پاسخی دقیق چند پرسش در زیرمجموعه‌ی این سوال مطرح شد. ابتدا از شرکت‌کنندگان پرسیده شد که مزایای این رشته کدام است؟

جدول 8. طبقه‌بندی مزایای تحصیل در رشته‌ی مدیریت آموزشی

سوال	نشانگر	مقولات عمده
1 مزایای این رشته کدام است؟	تنوع موضوعات انعطاف مباحث دید همه‌جانبه از بالا دیدن مسائل امکان مطالعه مباحث گونه‌گون	بین رشته‌ای بودن
	کاربرد در زندگی شخصی کاربرد در ایفای شغل	کاربردی بودن
	برخورداری از اهرم‌های تأثیرگذار و راهبردی توان ایجاد تغییرات گسترده در جامعه	مهم بودن
	کار با انسان‌ها وجود پویایی و خلاقیت	ویژگی‌های ذاتی مدیریت آموزشی

نظر به آمار به دست آمده 63/38 درصد (معادل 45 نفر) اذعان داشتند که تحصیل در این رشته مزایایی را به همراه داشته است.

1. *بین رشته‌ای بودن*: این امکان را فراهم می‌آورد که از نتایج سایر حوزه‌ها مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، علوم رفتاری و ... در مدیریت آموزشی بهره‌مندی حاصل آید. که این مسئله به نوبه‌ی خود منجر به ایجاد انعطاف، تنوع، دید همه‌جانبه و ... در این رشته شده است. «به موضوعات مختلف پرداخته می‌شود و تنوع وجود دارد مثل رشته‌های ریاضی خشک و خسته‌کننده نیست» هر چند برخی افراد آن را نقطه ضعف می‌دانند و نه نقطه‌ی قوت. به زعم عده‌ای از آنان این درهم تنیدگی منجر به عدم ایجاد تخصص در این رشته شده است و به عبارت دیگر از تمرکز این رشته در یک حیطه و عمیق شدن در آن مبحث جلوگیری می‌نماید فلذا استدلالشان مبنی بر آن است که مدیریت آموزشی مباحث زیادی را به صورت سطحی در خود گنجانده است.

2. *کاربردی بودن*: دریافتیم که 53/52 درصد (معادل 38 نفر) این رشته را کاربردی دانسته و به کاربرد آن در زندگی شخصی و کار اشاره کردند. 21/12 درصد (معادل 15 نفر) تاحدی این رشته را دارای کاربرد تلقی کرده (تعدادی از دانشجویان این گروه کاربرد این رشته را منوط به شرایط کردند و بیان داشتند چنانچه شرایط مهیا باشد، کاربرد آن امکان‌پذیر است.) و نهایتاً 25/35 درصد (معادل 18 نفر) آن را غیرقابل کاربرد دانستند (و دلیل آن را تئوری بودن مباحث این رشته و عدم توجه به این رشته در جامعه تلقی کردند). درصد بسیار

زیادی از افراد شاغل (52/11 درصد) در آمار پیش گفته کسانی هستند که در محیط‌های آموزشی مشغول به کار هستند که از این میان 45/07 درصد (معادل 32 نفر) به کاربرد محتوای این رشته در محیط کار اشاره کردند. به عبارتی این دانشجویان آنچه را که می‌آموخته‌اند در محیط کار برای ارتقای کیفیت کار و گاهی برای حل مشکلات موجود به کار برده‌اند و نتیجه را (در برخی مواقع به مرور زمان و در برخی مواقع به سرعت) مشاهده کرده‌اند. اما به زعم مصاحبه‌شوندگان این کاربرد به شغل و کار آن‌ها محدود نشده و زندگی روزمره‌ی آن‌ها را نیز در بر گرفته است. نکته‌ی جالب آن است که برخی افراد به کاربرد مطالب آموخته شده‌ی این رشته در زندگی شخصی خود اشاره کرده و آن را راهگشای مسائل زندگی خود دانستند. «حتی اگر نتونم کار کنم، این رشته به درد زندگی خودم هم می‌خوره و می‌تونم تو مسائل روزانه ازش استفاده کنم».

3. مهم بودن: با توجه به برخورداری این رشته از اهرم‌های تأثیرگذار و راهبردی (به واسطه‌ی امکان ایفای نقش در شکل‌دهی به آینده‌ی کشور) و توان ایجاد تغییرات گسترده در فرآیندهای فکری نسل آینده و نیز آماده‌سازی بسترهای تغییر در سازوکارهای عملیاتی کشور، بنابر اظهار برخی شرکت‌کنندگان می‌توان آن را در زمره‌ی رشته‌های کلیدی و مهم جامعه به شمار آورد و اهم بودن را در زمره‌ی مزایای آن دانست.

4. ویژگی‌های ذاتی مدیریت آموزشی: در علوم انسانی و به طور اخص در مدیریت آموزشی با انسان سروکار داریم. تعدادی از دانشجویانی که از رشته‌های غیرعلوم انسانی (علوم پایه و مهندسی) تغییر رویه داده و وارد این رشته شده‌اند این موضوع را مطرح کردند که در رشته‌های فوق‌الذکر با اشیا و وسایل سروکار داریم که به تبع آن فعالیت‌ها تکراری و روزمره است اما در مدیریت آموزشی با موجودی به نام انسان سروکار داریم که اساساً منحصر به فرد بودن هر انسان، خود منجر به پویایی و خلاقیت خواهد شد.

- تحصیل در این رشته از نظر شغلی چه مزایایی برای شما دارد؟

جدول 9. طبقه‌بندی مزایای شغلی تحصیل در رشته‌ی مدیریت آموزشی

ردیف	سوال	نشانگر	مقولات عمده	درصد فراوانی
1	تحصیل در این رشته از نظر شغلی چه مزایایی برای شما دارد؟	بهبود کیفیت کار یافتن راه‌حل برای مشکلات کاری بهبود وضعیت تدریس بهبود وضعیت کلاس‌داری	مزایای معنوی	83/78
		افزایش حقوق ارتقاء شغلی گرفتن پست جدید	مزایای مادی	67/56

به لحاظ وضعیت شغلی 57/74 درصد (معادل 41 نفر) از مصاحبه‌شوندگان شاغل و 42/26 درصد (معادل 30 نفر) غیرشاغل بودند. که از میان شاغلین 52/11 درصد (معادل 37 نفر) شغلشان با مدیریت آموزشی مرتبط بوده است و همان‌طور که بررسی‌ها نشان داد اساساً دلیل گرایش بسیاری از آن‌ها به مدیریت

آموزشی همان زمینه‌ی شغلی (مانند: ارتقاء سطح کیفیت انجام کار، ترفیع شغلی، بهبود شرایط کاری و ...) بوده است.

1. **مزایای معنوی:** 83/78 درصد (معادل 31 نفر) از شاغلین اظهار کردند که تحصیل در این رشته به ایفای بهتر شغلشان انجامیده است. به عنوان نمونه شخصی که با عنوان دبیر ریاضی در یک دبیرستان مشغول به کار بود اینچنین اظهار داشت «تحصیل در این رشته قطعاً مزایا داشت، من اصلاً فکر نمی‌کردم جایی باشم که به روش‌های تدریس پرداخته بشه ولی دیدم توی مدیریت آموزشی به این مسائل پرداخته شده، که الان دیگه فقط از روش سخنرانی برای تدریس استفاده نمی‌کنم و روش‌های دیگه رو هم به کار می‌بندم و به کلاس‌داری هم خیلی کمک کرده». لازم به ذکر است که هر یک از افراد با توجه به شغلی که دارند بخشی از مباحث را بیشتر ارج می‌نهند. به عنوان مثال برای معلم‌ها روش‌های تدریس اهمیت بیشتری دارد و برای مدیران و کارشناسان آموزش مباحث مدیریت و برنامه‌ریزی.

2. **مزایای مادی:** 67/56 درصد (معادل 25 نفر) از شاغلین به مزایای مادی تحصیل در این رشته اشاره کردند، این افراد اظهار کردند که تحصیل در این رشته منجر به افزایش حقوق، دریافت سمت یا ارتقاء شغلی - شان شده است. البته ذکر این نکته لازم است که که برخی از این افراد هنوز دانشجو بوده و مدرک خود را ارائه نکرده‌اند، لذا طبیعتاً از لحاظ مادی مزایایی تا زمان ارائه‌ی مدرک تحصیلی به آنان تعلق نمی‌گیرد.

5- تحصیل در رشته‌ی مدیریت آموزشی دانشجویان تغییر رشته‌ای را با چه مشکلاتی مواجه ساخته است؟

برای رسیدن به پاسخ این سوال پی‌گیر ضعف‌ها و مشکلات این رشته از نگاه مصاحبه‌شوندگان شدیم.

جدول 10. طبقه‌بندی ضعف‌ها و مشکلات تحصیل در رشته‌ی مدیریت آموزشی

مقولات عمده	نشانگر	سوال	ردیف
بازارکار	نداشتن بازارکار مناسب برای فارغ‌التحصیلان عدم استقبال از آن در سازمان‌های آموزشی به ویژه آموزش و پرورش	ضعف‌های این رشته کدام است؟	1
آموزشی و پژوهشی	ترجمه‌ای بودن و عدم بروز بودن کتب و منابع عدم تولید محتوا تئوری و غیرکاربردی بودن مطالب عدم ارتباط بین دروس و اجرائیات به روز نبودن اساتید این رشته نحوه‌ی گزینش نامناسب عدم آشنایی کافی با موضوعات موجود در این رشته مشکل گذراندن دروس پیش‌نیاز عدم ارتباط رشته‌ی قبلی با رشته‌ی جدید دشواری انتخاب موضوع پایان‌نامه سردرگمی در مورد منابع کنکور		
موقعیت اجتماعی	نوپا بودن نداشتن جایگاه مناسب در جامعه عدم شناخت افراد جامعه نسبت به آن		

بر طبق نظر مصاحبه‌شوندگان و بر اساس نتایج جدول شماره 10، رشته‌ی مدیریت آموزشی عاری از ضعف و مشکل نیست. بر اساس آنچه که از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان احصاء شد، مشکلات و ضعف‌های رشته‌ی مدیریت آموزشی در سه مقوله عمده طبقه‌بندی شده است. ضعف‌های مربوط به بازار کار، ضعف‌های آموزشی و پژوهشی و ضعف‌های مربوط به موقعیت اجتماعی.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر به تفکیک هر یک از سؤالات پژوهشی به شرح ذیل می‌باشد.

1. چرا دانشجویان رشته‌ی قبلی خود را تغییر داده و مدیریت آموزشی را انتخاب کرده‌اند؟

براساس اطلاعات به دست آمده دلایل گرایش به مدیریت آموزشی در این پژوهش به ترتیب اهمیت، عبارت است از: علاقمندی، زمینه و ضرورت شغلی، ویژگی‌های رشته‌ی مدیریت آموزشی، نارضایتی و مشکلات رشته‌ی قبلی، سهولت، توصیه‌ی دیگران و بازارکار این رشته برای تحصیل. جواهری (1387) پژوهشی را با هدف شناخت دلایل گرایش دانش‌آموختگان رشته‌های دیگر به تحصیل در رشته‌ی جامعه‌شناسی سامان داده است که براساس یافته‌های این تحقیق می‌توان گفت گرایش به جامعه‌شناسی حاصل شکل‌گیری انتظارات جدید از علم و همچنین متأثر از ساختار اجتماعی- سیاسی خاص جامعه‌ی ایران و مسائل مرتبط با آن می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های معروفی و آداک (1396) نیز همخوانی دارد. در تحقیق حاضر براساس تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده به شرح دلایل گرایش به مدیریت آموزشی پرداخته‌ایم.

یکی از ارکان اساسی برای یک انتخاب درست علاقمندی است. شرکت‌کنندگان در این تحقیق به دلیل علاقه به مولفه‌های گونه‌گون نظیر علاقه به مباحث موجود در این رشته، کار در آموزش و پرورش و ... این رشته را انتخاب کرده‌اند.

دومین رتبه‌ی دلایل انتخاب، به زمینه و ضرورت شغلی اختصاص دارد. از میان شاغلان شرکت‌کننده 52/11 درصد افراد در سازمان‌های آموزشی مشغول به کارند، لذا براساس انگیزه‌های مرتبط با شغلشان، نظیر ارتقاء شغلی، پیشرفت شغلی، ضرورت شغلی و ... به این رشته راه یافته‌اند.

از ویژگی‌های مدیریت آموزشی نیز به عنوان سومین دلیل انتخاب این رشته می‌توان یاد کرد. دانشجویان در رشته‌های علوم پایه و مهندسی با اشیاء سروکار دارند حال آن‌که این نوع کار برایشان کسالت آور و تکراری است، این افراد استدلالشان این است که در مدیریت آموزشی با موجودی به نام انسان سروکار داریم و از آن‌جا که هر انسانی منحصربه‌فرد است بنابراین محیط پویا، فعال و خلاق است. همچنین جذابیت، گستردگی و تنوع موجود در این رشته، در واقع ویژگی بین رشته‌ای بودن (این رشته در واقع ترکیبی است از سایر رشته‌ها نظیر روانشناسی، مدیریت، جامعه‌شناسی و ...) مدیریت آموزشی نیز دانشجویان را به خود جذب کرده است.

بدین ترتیب چهارمین علت نیز با رشته‌ی پایه‌ی دانشجویان مرتبط است. عللی نظیر عدم علاقه به رشته‌ی پایه، وجود بازارکار و شرایط کاری نامناسب، کفایت تحصیل در آن رشته و ...

براساس فراوانی پاسخ‌های به دست آمده سهولت نیز از دلایل انتخاب این رشته بوده است. به بیان دیگر، برخی دانشجویان با استدلال سهولت تحصیل در این رشته، آن را انتخاب کرده‌اند. (منظور سهولت محتوای دروس و نیز سهل بودن پذیرش در دانشگاه بوده است)

دیگر علت انتخاب این رشته توصیه‌ی دیگران است. اگرچه با توجه به بالا رفتن سن افراد و نیز افزوده شدن بر تجربیاتشان در مقایسه با هنگام ورود به مقطع کارشناسی، تأثیر توصیه‌ی دیگران (به ویژه خانواده) به گواه مصاحبه‌شوندگان کاهش یافته است اما همچنان از انگیزه‌های انتخاب یک رشته است. عده‌ی اندکی نیز به بازارکار مناسب این رشته اشاره داشتند.

به‌طور کلی در تحلیل و تبیین نتایج مربوط به این سوال می‌توان گفت که علاقمندی و شرایط اقتصادی و حرفه‌ای رشته (بازار کار) از جمله مهم‌ترین و کلیدی‌ترین معیارهای انتخاب و تغییر رشته می‌باشند؛ در واقع علاقه‌مندی و زمینه شغلی از اصلی‌ترین اهداف و دلایل دانش‌آموزان/دانشجویان برای تحصیل است. بر این اساس، هدایت تحصیلی، مشاوره تحصیلی و در کنار آن بازنگری در اهداف و فلسفه، مقاصد، روش‌ها و محتوا و ماده‌های درسی رشته‌ها بخصوص رشته مدیریت آموزشی می‌بایست در دستور کار برنامه‌ریزان آموزشی قرار گیرد.

2. دانشجویانی که رشته‌ی قبلی آن‌ها مدیریت آموزشی نبوده با چه انتظاراتی رشته‌ی مدیریت آموزشی را انتخاب کرده‌اند؟

بدیهی است دانشجویان براساس شناخت و آگاهی نسبی که راجع به این رشته کسب کرده‌اند، پیش‌تصوراتی را در این خصوص در ذهن خود شکل داده‌اند که درصد بسیار زیادی از مصاحبه‌شوندگان براساس این پیش-تصورات تصمیم به تغییر مسیر و ورود به رشته‌ی مدیریت آموزشی گرفته‌اند. اما نقل قول‌های 30/98 درصد از دانشجویان حاکی از عدم تطبیق پیش‌تصوراتشان با واقعیات موجود بوده است. نکته آن است که بیشترین عدم تطابق مربوط به حوزه‌ی محتوای دروس و بازارکار است. گفته‌های دانشجویان حاکی از آن است که کتاب‌های موجود در این رشته به روز نیستند و بعضاً کتاب‌های ترجمه متعلق به چندین سال قبل در دانشگاه-ها تدریس می‌شوند و البته برخی معتقدند حتی این مطالب علی‌رغم به روز نبودن، بومی هم نیستند و با فرهنگ کشورمان هم‌خوانی ندارند. عده‌ای نیز تصور می‌کرده‌اند این رشته در اصل یکی از شاخه‌های مدیریتی است و حال آن که در عمل با عکس این مطلب مواجه شده‌اند، اما شماری نیز این تصور را داشته‌اند که در این رشته بُعد آموزش، بُعد مدیریت را در احاطه دارد اما در رویارویی با واقعیت دریافته‌اند اینچنین نیست. نکته‌ی دیگر در خصوص مطالب درسی موجود در این رشته تئوری بودن و عدم وجود دروس عملی بوده است، به عبارت دیگر همه‌ی دروسی که طی دوره‌ی کارشناسی ارائه می‌شود دروس تئوری هستند و تنها اگر رویکرد اساتید مبنی بر انجام برخی تحقیقات یا پروژه‌های عملی باشد دانشجویان امکان عملی کردن مطالب را دارند و در غیر این صورت مطالب صرفاً در مرحله‌ی دانش هستند و به استثنای افراد شاغل در سازمان‌های آموزشی دیگر افراد در این مرحله باقی می‌مانند. دیگر مولفه‌ای که در این خصوص به آن اشاره شد، بازارکار است، شمار زیادی از دانشجویان شرکت‌کننده در این پژوهش از عدم وجود آینده‌ی شغلی مناسب برای این رشته سخن به میان آوردند. یکی از مطالبی که مکرراً مورد اشاره قرار گرفت عدم اقبال آموزش و پرورش و سازمان‌های آموزشی از فارغ‌التحصیلان مدیریت آموزشی بوده است.

در این خصوص به نظر می‌رسد نوعی ابهام و سردرگمی بین دانشجویان علاقه‌مند به این رشته وجود دارد؛ بررسی‌ها در خصوص رشته‌ی مدیریت آموزشی نشان می‌دهد که فارغ‌التحصیلان این رشته علاوه بر آموزش و پرورش که به‌عنوان اصلی‌ترین هدف و حوزه مدیریت آموزشی در نظر گرفته شده است فرصت

اشتغال در آموزش عالی و همچنین در بخش توسعه منابع انسانی، آموزش و امور کارکنان به‌ویژه در بخش صنعت و سازمان‌های خصوصی را دارند (شرفی و مقدم، 1393؛ فرزانه، زین‌آبادی و دارابی، 1396). این در حالی است که بسیاری از دانش‌آموختگان رشته‌ی مدیریت آموزشی اطلاع و آگاهی چندانی از مشاغل مرتبط با رشته‌ی تحصیلی خود ندارند (یداللهی فارسی و میرعرب رضی، 1388؛ شرفی و مقدم، 1393). علاوه بر این برنامه درسی نیز در سردرگمی بین سه حوزه آموزش و پرورش، آموزش عالی و توسعه سازمانی قرار دارد، در واقع در دوره کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی به لحاظ محتوا و برنامه درسی به طور مناسب و مکفی به این سه حوزه توجه نشده است و لذا در بسیاری از مواقع انتظارات دانشجویان و نیازهای بازار کار را پوشش نمی‌دهد.

3. دانشجویان تغییر رشته‌ای در حال حاضر در قلمرو مدیریت آموزشی دارای چه نوع جهت‌گیری و علائقی

فکری هستند؟

میزان 71/83 درصد از شرکت‌کنندگان پس از ورود به این رشته و مواجهه با واقعیات موجود در آن، همچنان متمایل به تحصیل در این رشته‌اند و چنانچه مجدداً در موقعیت انتخاب قرار گیرند، باز هم مدیریت آموزشی گزینه‌ی موردنظر آن‌هاست.

همچنین، 60/56 درصد از شرکت‌کنندگان در این پژوهش به دلایل گونه‌گون (علاقمندی، مرتبط بودن رشته و شغل و ...) خود را در این رشته موفق‌تر از رشته‌ی قبلی می‌دانند و حتی برخی از آنان تحصیل در این رشته را به سایرین نیز توصیه کرده‌اند. این مطالب نشان‌دهنده‌ی نگرش مثبت این دانشجویان نسبت به مدیریت آموزشی است. در مقابل برخی نیز پس از ورود به این رشته تغییر نگرش داده و دید مثبتی نسبت به آن ندارد، که علت را می‌توان آن دانست که این دانشجویان بدون داشتن شناخت درست و کافی اقدام به انتخاب این رشته کرده‌اند. در این خصوص هدایت تحصیلی، مشاوره تحصیلی و مشخص نمودن و تعریف و تعیین حوزه و قلمروی رشته‌ها می‌تواند امکان شناخت صحیح و دقیق را برای دانش‌آموزان و دانشجویان فراهم کند.

براساس اطلاعات به دست آمده تعداد قابل توجهی از دانشجویان شرکت‌کننده در این تحقیق به انجام پژوهش در حوزه‌های سازمانی (مانند: رفتار سازمانی، اثربخشی، آموزش در صنعت و ...) علاقمندی بیشتری نشان دادند که البته می‌توان آن را نشأت گرفته از اهمیت سازمان‌ها نسبت به امر آموزش در سال‌های اخیر دانست. این یافته حاکی از آن دارد که حوزه آموزش سازمانی یکی از حوزه‌های اصلی مدیریت آموزشی می‌باشد و به نظر می‌رسد برنامه‌ریزان آموزشی باید تکلیف این حوزه را در رشته مدیریت آموزشی به‌خوبی مشخص کنند.

4. تحصیل در رشته‌ی مدیریت آموزشی برای دانشجویان تغییر رشته‌ای چه دستاوردهایی به همراه داشته

است؟

به طور کلی اکثریت عقیده داشتند که این رشته برای آن‌ها (به ویژه افرادی که شغلشان با این رشته مرتبط است) دستاوردهایی (مادی و معنوی) به همراه داشته است. از این میان برخی به نتایج مادی نظیر: افزایش میزان حقوق، ارتقاء شغلی، دریافت پست و ... اشاره داشتند، از جمله سایر دستاوردهای تحصیل در این

رشته می‌توان به تأثیر آن در زندگی شخصی افراد اشاره نمود، عده‌ای معتقدند که مطالب موجود در این رشته در زندگی روزمره‌شان نیز قابل کاربرد است و در حل مسائل و مشکلات روزانه نیز می‌توان از آن بهره گرفت. قریب به اتفاق افرادی که شغلشان با درحوزه‌ی آموزش است نیز معتقد بودند تحصیل در این رشته به طرق مختلف منجر به ایفای بهتر شغلشان شده است. به عنوان مثال آموختن مطالبی نظیر روش‌ها و فنون تدریس، نظریه‌های یادگیری و ... و به کارگیری آن در کلاس درس توانسته است بهبود کیفیت کار و نیز افزایش بازدهی در کلاس را برای تعدادی از شرکت‌کنندگان که دبیر هستند به دنبال داشته باشد.

5. تحصیل در رشته‌ی مدیریت آموزشی دانشجویان تغییر رشته‌ای را با چه مشکلاتی مواجه ساخته است؟

عمده‌ی مشکل دانشجویان در این رشته، که از سوی مصاحبه‌شوندگان مکرراً به آن اشاره شد بازار کار نامناسب این رشته است، مشکلات آموزشی و پژوهشی در رتبه‌ی دوم جای دارد، که از آن جمله می‌توان به نامناسب بودن محتوا، به روز نبودن اساتید این رشته، نحوه‌ی گزینش نامناسب، عدم آشنایی کافی با موضوعات موجود در این رشته، مشکل گذراندن دروس پیش‌نیاز، عدم ارتباط رشته‌ی قبلی با رشته‌ی جدید، دشواری انتخاب موضوع پایان‌نامه و سردرگمی در مورد منابع کنکور در این رشته اشاره کرد. اما دسته‌ی سوم مشکلات مربوط به موقعیت اجتماعی و جایگاه آن در جامعه است. با توجه به نوپا بودن این رشته و عدم شناخت کافی آن در جامعه، این رشته به گواه اطلاعات به دست آمده از سوی شرکت‌کنندگان در این پژوهش از جایگاه مناسبی در جامعه برخوردار نیست.

به‌طور کلی، نتایج به دست آمده حاکی از آن است که مهم‌ترین دلایل گرایش دانشجویان به این رشته علاقه و پس از آن با اختلاف اندک زمینه و ضرورت شغلی است. مدیریت آموزشی رشته‌ای نوپاست که هنوز آنطور که باید در جامعه شناخته شده نیست و افراد شناخت کافی از آن ندارند، فلذا از جایگاه مناسبی نیز برخوردار نیست. مهم‌ترین مشکل در این رشته بازار کار و آینده‌ی شغلی نامعلوم آن است اما برای افرادی که شاغل در حوزه‌ی آموزش دستاوردهای بسیاری دارد و بسیار مناسب است.

در نهایت، با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود به منظور ایجاد شناخت نسبت به رشته‌ی مدیریت آموزشی، اطلاع‌رسانی گسترده، فراگیر، دقیق و واقع‌بینانه از طریق وسایل ارتباط جمعی (مانند: اینترنت، رادیو، تلویزیون و روزنامه‌ها) و همچنین سازمان سنجش و وزارت علوم (از طریق تعریف دقیق فلسفه، اهداف، مقاصد و سرفصل‌های رشته) صورت گیرد و نیز پیشنهاد می‌گردد که دانشگاه‌ها اهمیت بیشتری به کیفیت آموزشی داده، امکانات و ابزار آموزشی را بهبود بخشیده و تغییرات لازم برای بروزرسانی و بومی‌سازی سرفصل‌ها و محتوای دروس موجود در این رشته انجام دهند و نسبت به شناخت استعدادها و دانشجویان اهمیت بیشتری قایل شوند. همچنین، در خصوص بخش کمی برنامه‌ریزی آموزشی، تغییر رشته و اثرات آن در تمام مراحل برنامه‌ریزی موردنظر قرار گیرد و از طریق مدل‌های مختلف، پیش‌بینی‌های لازم از کم و کیف دانشجویان تغییر رشته‌ای انجام گیرد تا رشته‌های مبدأ و مقصد با مشکلات کمبود و یا هدر رفت منابع (انسانی و مادی)، امکانات و تجهیزات روبرو نشوند.

همچنین این تحقیق رهنمودهایی نیز برای سایر پژوهشگران دارد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که با انجام یک پژوهش با موضوع مقایسه‌ی عملکرد (مولفه‌هایی مانند میزان پیشرفت تحصیلی، انجام پژوهش، موفقیت در کار و ...) دانشجویانی که رشته‌ی اولیه‌شان مدیریت آموزشی بوده است و دانشجویانی که در مقطع

کارشناسی در سایر رشته‌ها تحصیل کرده‌اند، می‌توان به تأثیر پیشینه‌ی تحصیلی بر عملکرد افراد پی برد. همچنین، با عنایت به اینکه مهاجرت علمی پدیده‌ای است که در همه‌ی رشته‌ها رخ می‌دهد. بنابراین انجام پژوهش در خصوص این پدیده در سایر رشته‌ها می‌تواند به تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های آموزش عالی کمک بسیاری روا دارد.

منابع

1. بادامچی، محمدحسین، و قائم‌خانی، محمد. (1394). بحران تکنیک زدگی آموزش عالی در ایران؛ جامعه‌شناسی جریان مهاجرت نخبگان از رشته‌های مهندسی به علوم انسانی. *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، 19(3): 358-335.
2. جوادی، مریم؛ حسن زاده، غلامرضا و صالح زاده، یاشار. (1385). نظر دانشجویان پزشکی مقاطع علوم پایه، فیزیوپاتولوژی و کارآموزی نسبت به آینده شغلی. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی قزوین*، ۱۰ (۳): ۹۵-۹۱.
3. جواهری، فاطمه. (1388). مهاجرت علمی: بررسی علل گرایش دانش‌آموختگان رشته‌های غیرجامعه‌شناسی به تحصیل در رشته جامعه‌شناسی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، 9(3 و 4): 89-119.
4. ده بزرگی غلامرضا، موصلی حیدرعلی. (۱۳۸۱). بررسی علل افت تحصیلی در دانشجویان پزشکی ورودی ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ شیراز. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۲(8): ۲۱-۲۱.
5. ذکایی، محمدسعید و شجاعی باغینی، نیما. (1392). تغییر رشته‌های‌ها انگیزه‌ها، انتظاراتها و ارزیابی دانشجویان رشته‌های غیر مرتبط از تحصیل در علوم انسانی. *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره 63: 126-173.
6. شرفی، محمد؛ مقدم، مینا. (1393). واکاوی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم تربیتی: یک مطالعه موردی. *فصلنامه پژوهش‌های رهبری و مدیریت آموزشی*، 1(2): 167-192.
7. ضرغامی، مهران، غفاری ساروی، وجیهه، خلیلیان، علیرضا و سفیدچیان، علیرضا. (۱۳۸۲). عوامل مؤثر بر انتخاب رشته‌ی تخصصی فارغ‌التحصیلان پزشکی. *فصلنامه‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل*، ۵ (۲): 18-23.
8. عباس‌زاده، محمد. (1391). تأملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، 23 (45): 19-34.
9. عبدی، بهشته و آقابابا، ابوالفضل. (1387). بررسی عوامل مؤثر بر انتخاب رشته داوطلبان مجاز به انتخاب رشته کنکور سراسری. *آموزش عالی ایران*، 1(3): 151-170.
10. عبدی، بهشته. (۱۳۸۶). بررسی میزان کسب اطلاع از رشته‌های دانشگاهی در میان داوطلبان مجاز به انتخاب رشته در کنکور سراسری. *مجله‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۳ (۲): 131-149.
11. فرزانه، محمد؛ زین آبادی، حسن‌رضا و دارابی، فاطمه. (1396). واکاوی شایستگی‌های دانش‌آموختگان رشته‌ی مدیریت آموزشی جهت اشتغال در بخش آموزش و توسعه منابع انسانی سازمان‌های صنعتی. *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، 7 (20): 73-102.
12. محمودی، سید محمد. (1381). بررسی عوامل مؤثر بر درخواست‌های تغییر رشته دانشجویان دانشگاه تهران. *مجله مجتمع آموزش عالی قم*، 4 (15): 139-161.
13. مردی‌ها، مرتضی. (1383). آسیب‌شناسی آزمون ورودی دانشگاه. *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۱۰ (۱): ۹۱-۱۳۰.

14. مصطفوی، ابوالفضل؛ رمضانلو، پریا و عسگری، نادیا. (1391). عوامل موثر بر انتخاب رشته داروسازی و میزان تغییر در انگیزه دانشجویان این رشته در طول دوره تحصیل. *توسعه آموزش در علوم پزشکی*، 5 (9): 33-41.
15. معروفی، یحیی و آداک، موسی. (1396). بازنمایی تجارب زیسته دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته علوم تربیتی در ارتباط با پدیده تغییر رشته (مطالعه‌ای پدیدارشناسی). *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*، 7 (20): 33-55.
16. یداللهی فارسی، جهانگیر و میرعرب رضی، رضا. (1388). بررسی رایجی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی در رشته‌ی علوم تربیتی، *نشریه توسعه‌ی کارآفرینی*، 2 (3): 61-80.

17. Ahola, S. (2000). Hidden curriculum in higher education: Something to fear for or comply to. *Innovations in Higher Education, Helsinki, Finland*.
18. Archer, J., Cantwell, R., & Bourke, S. (1999). Coping at University: an examination of achievement, motivation, self-regulation, confidence, and method of entry. *Higher Education Research & Development*, 18(1), 31-54.
19. Crowley, C. (2004). *Factor Influencing College Choice Among Track and Field Student Athletes at NCAA D-1 Conference HBC US*; Unpublished Doctoral Dissertation, Florida State University
20. Cuxart, A., & Longford, N. T. (1998). Monitoring the University Admission Process in Spain. *Higher Education in Europe*, 23(3), 385-396.
21. DeRonck, N. G. (2007). The impact of family structure and involvement on the college enrollment of potential first generation college students. (Unpublished doctoral dissertation). Central Connecticut State University New Britain, Connecticut.
22. Porter, S. R., & Umbach, P. D. (2006). College major choice: An analysis of person-environment fit. *Research in higher education*, 47(4), 429-449.

